



Examining the role of good governance in economic growth in Iran (1385-1398): "Quality of Laws and Regulations" and "Efficiency of Government Effectiveness"

Nasser Enayat¹, Masoud Motallebi^{2*}, Abolqasem Taheri³

1. PhD student in Political Science, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.
2. Assistant Professor Department of Political Science, Faculty of Law and Political Science, Azadshahr Branch, Islamic Azad University, Azadshahr, Iran.
3. Professor, Department of Political Science, Faculty of Law, Theology and Political Science, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 19-39

Article history:

Received: 7 May 2022

Edition: 27 Jun 2022

Accepted: 15 Sep 2022

Published online: 5 Nov 2022

Keywords:

Governance, Good Governance, Economic Growth, Effectiveness

Corresponding Author:

Masoud Motallebi

Address:

Department of Political Science,
Faculty of Law and Political
Science, Azadshahr Branch, Islamic
Azad University, Azadshahr, Iran.

Orchid Code:

0000-0002-4854-6542

Tel:

09124074791

Email:

Mmtph2006@yahoo.com

ABSTRACT

Background and Aim: "Good governance" is one of the indicators used during economic development. An index presented by the World Bank and in recent years has attracted the attention of many economic analysts and even political economists in Iran.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Results: The six important indicators of good governance are: accountability and the right to express opinions; Rule of Law; quality of rules and regulations; efficiency of governmental effectiveness; Political stability; Corruption control.

Conclusion: Examining the figures published by the World Bank in the two components of "Efficiency of government effectiveness and "Quality of laws and regulations" of this model in the years of the government of Mr. Ahmadinejad (1385-1392) and Mr. Rouhani (1393-1398) shows that the mentioned variables have had a direct impact on the economic growth of the Islamic Republic of Iran. So that the improvement of these two indicators in the 11th government has improved the economic growth index in Iran.

Cite this article as:

Enayat N, Motallebi M, Taheri A. Examining the role of good governance in economic growth in Iran (1385-1398): "Quality of Laws and Regulations" and "Efficiency of Government Effectiveness". *Economic Jurisprudence Studies* 2022-2023; *Review on New Researches of Jurisprudence and Law*.

دوره چهارم، شماره پیاپی ۵، سال ۱۴۰۱

بررسی نقش حکمرانی خوب در رشد اقتصادی در ج.ا. ایران (۱۳۸۵-۱۳۹۸): «کیفیت قوانین و مقررات» و «کارایی اثربخشی دولتی»

ناصر عنایت^۱، مسعود مطلبی^{۲*}، ابوالقاسم طاهری^۳

۱. دانشجوی دکترای علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

۳. استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق، هیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: «حکمرانی خوب» یکی از شاخصه‌های مورد استفاده در دوران توسعه اقتصادی است. شاخصی که از سوی بانک جهانی ارائه شده و در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از تحلیل‌گران اقتصادی و حتی اقتصاد سیاسی در ایران قرار گرفته است.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: شش شاخصه مهم حکمرانی خوب عبارتند از: پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر؛ حاکمیت قانون؛ کیفیت قوانین و مقررات؛ کارایی اثربخشی دولتی؛ ثبات سیاسی؛ کنترل فساد.

نتیجه: بررسی ارقام منتشر شده از سوی بانک جهانی در دو مؤلفه «کارایی اثربخشی دولتی» و «کیفیت قوانین و مقررات» این الگو در سال‌های دولت آقای احمدی‌نژاد (۱۳۸۵-۱۳۹۲) و آقای روحانی (۱۳۹۳-۱۳۹۸) نشان می‌دهد متغیرهای نام برده شده بر روند رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تأثیر مستقیمی داشته‌اند. به طوری که بهبودی روند این ۲ شاخص در دولت یازدهم موجب بهبود شاخص رشد اقتصادی در ایران شده است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۹-۳۹

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۱/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۸/۱۴

واژگان کلیدی:

حاکمیت، حکمرانی مطلوب، رشد اقتصادی، اثربخشی.

نویسنده مسوول:

مسعود مطلبی

آدرس پستی:

ایران، آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد آزادشهر، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، گروه علوم سیاسی.

تلفن:

۰۹۱۲۴۰۷۴۷۹۱

کد ارکید:

0000-0002-4854-6542

پست الکترونیک:

Mmtph2006@yahoo.com

۱. مقدمه

حکمرانی خوب از جمله مفاهیم نو در حوزه علوم سیاسی به حساب می‌آید که متأثر از تحولات سیاسی و علمی در سطح جهانی مطرح شده و موضوع پژوهش‌های گوناگون قرار گرفته است. به طور خاص از جنگ جهانی دوم به این سو، با سیطره نگرش علمی بر سیاست و روابط خارجی، حکومت‌داری بهتر و برتر هم وارد متون علمی شد. مطالعات سیاست تطبیقی نقشی محوری در شکل‌گیری مفهوم حکمرانی خوب و ادبیات پیرامون آن داشته است. مقایسه شیوه حکومت‌داری و سیاست تطبیقی نتیجه تلاش‌های انجام شده برای یافتن حکومت‌داری با ویژگی‌های برتر از حیث کاربرد است. حکمرانی خوب به دنبال توسعه و ایجاد توازن در پیشرفت است، ویژگی‌ای که در دهه اخیر یکی از چالش‌های اقتصاد سیاسی در کشور در حال توسعه بوده است. در کشورمان نیز طی سال‌های اخیر این مفهوم مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته و وارد ادبیات متون سیاسی، جامعه‌شناسی و توسعه اقتصادی رشته‌های علوم سیاسی و اقتصاد سیاسی شده است. در ایران طی ۱۶ سال گذشته دو طیف خاص و متمایز سیاسی هرکدام به مدت ۸ سال قوه مجریه را در اختیار داشته‌اند و به اجرای سیاست‌های خود در راستای مدیریت امور پرداخته‌اند. این سیاست‌ها به ویژه معطوف پرونده هسته‌ای ایران و تحریم‌های اقتصادی گسترده، از زمینه‌ای مشترک برخوردارند. محمود احمدی‌نژاد از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۲ و حسن روحانی از سال

۱۳۹۲ تاکنون از دو طیف اصول‌گرایان تندرو و اصلاح‌طلبان معتدل قدرت را در اختیار داشته‌اند و از فرصت پیگیری برنامه‌های خود و اجرای مطالبات پایگاه اجتماعی‌شان برخوردار بوده‌اند. تفاوت‌های سیاسی در این میان بستر مناسبی را برای مطالعه مقایسه‌ای این دو دولت فراهم می‌کند و شاخص‌های حکمرانی خوب با توجه به تازگی این مفهوم، معیارهای عینی‌تری برای مقایسه این دو دوره محسوب می‌شود. در این پژوهش به بررسی مقایسه‌ای عملکرد دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی مبتنی بر شاخص‌های حکمرانی خوب پرداخته شده است. در این پژوهش سعی کرده نخست به توضیح و تبیین نظری حکمرانی خوب و برداشت مشخص از مؤلفه‌های آن پرداخته و سپس به سراغ عملکرد دولت‌های آقای احمدی‌نژاد (۹۲-۱۳۸۴) و آقای روحانی (۹۸-۱۳۹۲) براساس مؤلفه‌های حکمرانی خوب بروم. در نتیجه پرسش اصلی که در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به آن هستیم این است که، مؤلفه‌های حکمرانی مطلوب که از سوی بانک جهانی اعلام شده‌اند چه تأثیری بر رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران در دولت‌های آقای احمدی‌نژاد و آقای روحانی داشته است؟ فرضیه‌ای که در پاسخ به این پرسش مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که، دو مؤلفه «کارایی اثربخشی دولتی و «کیفیت قوانین و مقررات» در سال‌های دولت آقای احمدی‌نژاد (۱۳۸۵-۱۳۹۲) و آقای روحانی (۱۳۹۳-۱۳۹۸) بر روند رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تأثیر مستقیمی داشته‌اند. به طوری که بهبودی روند این ۲ شاخص

در دولت یازدهم موجب بهبود شاخص رشد اقتصادی در ایران شده است.

در ارتباط با پیشینه پژوهش حاضر می‌توانیم به آثار ذیل اشاره کنیم:

دوله، سیفی‌الهی و زنجانی در مقاله‌ای به مطالعه زمینه‌ها و موانع تحقق حکمرانی خوب در ایران معاصر پرداخته‌اند. داده‌های پژوهش که در فرآیند بهره‌یابی از روش نظریه بنیادی به دست آمده است نشان می‌دهد که «تمامیت‌خواهی نظام سیاسی، فرهنگ سیاسی، آگاهی‌بخشی احزاب سیاسی به صورت مقولات شرایطی، تعاملی پیامدی بوده است.

بر مبنای یافته‌های پژوهش حاضر؛ عمده‌ترین مشکل و مانع دستیابی به حکمرانی خوب در ایران می‌باشد؛ از جانب نظام‌های سیاسی ایجاد شده است. نظام‌های سیاسی چه پیش و چه پس از انقلاب همواره، توزیع قدرت را تهدید قلمداد کرده و آزادی فعالیت احزاب و تشکل‌های مدنی را محدود کرده‌اند. عزیمت به سوی توسعه پایدار و رعایت حقوق شهروندمداری و قانون‌مداری، زمینه‌ساز بنیادین دستیابی به حکمرانی خوب در ایران می‌باشد (دوله و همکاران، ۱۳۹۸).

امیرمحمد حاجی‌یوسفی و همکارانش در پژوهشی به بررسی اندیشه‌های اسلامی و فمینیسم و تأثیر آن بر حکمرانی خوب پرداختند. آنها در مقاله «تأملی نظری پیرامون خوانش گرایش فمینیستی از حکمرانی خوب در کشورهای اسلامی» با هدف معرفی برخی گرایش‌های فمینیستی در کشورهای اسلامی نزد افرادی چون مرنیسی، احمد و الحبری در باب حکمرانی خوب، از منظر گفتمان نوگرایی

اسلامی به نقد و بررسی اندیشه‌های آنها می‌پردازند. این گرایش‌ها ذیل جریان بزرگ‌تر متجددین جای می‌گیرند. به زعم آنها احکام اسلامی ماهیتی تاریخی دارند و بزرگ‌ترین مانع حضور زنان در اجتماع و به تبع تنزل شاخص‌های حکمرانی خوب در کشورهای اسلامی محسوب می‌شوند. لذا معتقدند با بازتفسیر دوباره‌ی نص اسلامی، می‌توان شرایط مناسبی برای تغییر بسیاری از احکام اسلام ناظر بر امور زنان پیدا کرد. در همین راستا، پرسش اصلی در این مقاله این است که چه نقدهایی بر خوانش گرایش فمینیستی در کشورهای اسلامی از حکمرانی خوب وجود دارد؟ با توجه به داده‌های موجود، به نظر می‌رسد که نوع تلقی آنان از حکمرانی خوب مبتنی بر مطالعه‌ای ناقص، پیش‌داوری و بی‌توجه به بسترهای فرهنگی است. در این مقاله، پس از بررسی آثار سه تن از برجسته‌ترین نظریه‌پردازان در این حوزه، خوانش آنان از نگاه نوگرایان دینی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و نهایتاً روند تسهیل حکمرانی خوب در ایران با توجه به ارزیابی نوگرایان دینی بیان می‌شود (حاجی‌یوسفی و همکاران، ۱۳۹۸).

صحرائی و محمدی‌نیا به بررسی حکمرانی خوب در دورات ریاست جمهوری مرحوم هاشمی‌رفسنجانی پرداخته‌اند. در مقاله «الگوی حکمرانی خوب: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی‌رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)» نویسندگان معتقدند در عصر جدید، الزامات و ضرورت‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی تغییر کرده و شکل تازه‌ای از روابط بین دولت و ملت به وجود

اطلاعات بصورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که، شش شاخصه مهم حکمرانی خوب عبارتند از: پاسخ‌گویی و حق اظهار نظر؛ حاکمیت قانون؛ کیفیت قوانین و مقررات؛ کارایی اثربخشی دولتی؛ ثبات سیاسی؛ کنترل فساد. با در نظر گرفتن این شاخص‌ها و بررسی ارقام منتشر شده از سوی بانک جهانی در دو مؤلفه «کارایی اثربخشی دولتی» و «کیفیت قوانین و مقررات» این الگو در سال‌های دولت آقای احمدی‌نژاد (۱۳۸۵-۱۳۹۲) و آقای روحانی (۱۳۹۳-۱۳۹۸) نشان می‌دهد متغیرهای نام برده شده بر روند رشد اقتصادی جمهوری اسلامی ایران تأثیر مستقیمی داشته‌اند. به طوری که بهبودی روند این ۲ شاخص در دولت یازدهم موجب بهبود شاخص رشد اقتصادی در ایران شده است.

۵. بحث

۵-۱. چارچوب نظری «الگوی حکمرانی خوب»

امروز در کشورهای توسعه‌یافته معیار سنجش سلامتی از دموکراسی به حاکمیت خوب در حال تغییر است. شاخصه‌های حاکمیت خوب از جمله

آمده است در روابط جدید دولت باید سیاست‌گذار و تعیین‌کننده خط‌مشی‌های کلی باشد و براساس چارچوب حقوقی محدوده عمل سیاسی را تعیین کند بخش خصوصی تولید ثروت را سرلوحه خود قرار دهد و جامعه مدنی از طریق بسیج عمومی برای مشارکت در ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی ارتباط متقابل میان جامعه و دولت را تسهیل کند (صحرای و محمدی، ۱۳۹۷).

نقش حکمرانی خوب در تحقق اقتصاد دانش‌بنیان در ایران (در قالب مدل مارپیچ چهارگانه) یکی دیگر از پژوهش‌های انجام شده در حوزه حکمرانی خوب در ایران است. در این مقاله نجفی و همکارانش پس از تعریف مفاهیم به ویژه مارپیچ چهارگانه در بخش توصیفی، کانال‌های ارتباطی حکمرانی خوب و اقتصاد دانش بنیان تشریح می‌کنند. سپس به کمک الگوی اقتصادسنجی، رابطه بین نوآوری (به عنوان هدف سیستم‌های نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان) و شاخص‌های حکمرانی خوب، بررسی می‌شود. به منظور تبیین رابطه حکمرانی خوب با اقتصاد دانش بنیان، شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران و کشورهای اروپای شمالی و جنوب شرقی آسیا به عنوان کشورهای دارای امتیازات بالایی در شاخص اقتصاد دانش بنیان هستند، با هم مقایسه می‌شود (نجفی، ۱۳۹۸).

۲. مواد و روش‌ها

این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری

مبادرت گردد که جنبه‌های گوناگون این پدیده چندبعدی را تبیین نماید.

۵-۲. اصطلاح حکمرانی خوب

حکمرانی خوب، از نظر واژه‌شناسی، حکمرانی به واژه یونانی Kubernan به معنای هدایت کردن با اداره کردن برمی‌گردد و توسط «افلاطون» در رابطه با چگونگی طراحی نظام حکومت استفاده شده است. این اصطلاح یونانی ریشه لغت Gulbernane در لاتین قرون وسطی است که بر همان مفاهیم هدایت کردن، قانون‌گذاری یا راندن دلالت می‌کند (هداوند، ۱۳۸۴).

اصطلاح حکمرانی خوب در برگردان Good Governance گذاشته شده است. براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت منابع عمومی براساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادل و مشارکت گسترده مردم در فرآیند حکومت‌داری.

حکمرانی خوب مدیریت منابع یک کشور، برای رسیدن به اهداف تعیین شده است و شامل راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن‌ها، توانایی دنبال کردن حقوق قانونی خود را داشته باشند. به عبارت دیگر می‌توان حکمرانی خوب را روشی نامید که در آن قدرت برای مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی یک کشور در راستای توسعه اعمال می‌گردد دانست (بانک جهانی، ۱۹۹۲).

برخی همچون بایزید مردوخ‌ی این اصطلاح را نظام شایسته تدبیر و برخی دیگر حکمروایی خوب

مواردی است که کشورها براساس آن رتبه‌بندی اقتصادی می‌شوند. دولت‌ها در بسیاری از کشورهای جهان همواره به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی هستند که از طریق آن بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه هرچه بیشتر برسانند و سعادت و رفاه را برای آنان به ارمغان بیاورند (کنث، ۱۹۹۲، ۳۹۰). بنابراین، تاکنون استراتژی‌های اقتصادی مختلفی برای نیل به این هدف از سوی حکومت‌های کشورهای مختلف به کار گرفته شده است، در این میان یکی از ایده‌هایی که در سال ۱۹۸۰ مطرح و با استقبال خوبی مواجه شده، ایده «حکمرانی خوب» بوده است که ضمن تأکید بر عامل اقتصادی، نقش مدیران، نهادها و مقررات دولتی در امر توسعه را مدنظر قرار می‌دهد. در واقع حکمرانی خوب روندی است که طی آن قدرت در مدیریت منابع اجتماعی و اقتصادی یک کشور برای توسعه تجربه می‌شود (اسپوزیتو، ۱۳۹۰، ۳۲۵).

حکمرانی خوب از جمله مباحث تازه‌ایست که در دو دهه اخیر توجه محافل علمی و بین‌المللی جهان را به خود معطوف نموده است. محققان حکمرانی خوب را با رویکردها (فرایندی، لیبرالیستی و سوسیالیستی)، ابعاد (سیاسی، اقتصادی و انسانی) و اهداف (توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی و توسعه پایدار انسانی) گوناگون تعریف نموده‌اند. اما با توجه به پیچیدگی و میان‌رشته‌ای بودن مبحث حکمرانی این ضرورت وجود دارد که با نگاهی کلان به این مقوله پرداخته و به جای آرایه فهرست‌های گوناگون از ویژگی‌های حکمرانی خوب به طراحی الگوهایی

ترجمه کرده‌اند. به هر حال منظور از این اصطلاح شیوه اعمال قدرت و رابطه شهروندان با حکومت در یک کشور است. اگر این اعمال قدرت مبتنی بر حاکمیت قانون (در برابر حاکمیت فرد) مشارکت شهروندان و پاسخگویی حاکمان باشد، این نظام صفت حکمرانی خوب می‌یابد. حکمرانی خوب مفهومی است که از اواخر دهه ۱۹۹۰ در ادبیات توسعه به عنوان کلید معمای توسعه مطرح گردید. سرمنشاء دیدگاه حکمرانی خوب را می‌توان در اندیشه‌های چستر بارناد یافت. بارناد راه‌حل بسیاری از مسائل اجتماعی را در همکاری و مشارکت شبکه‌ای از بازیگران سازمان‌های دولتی، بخش خصوصی و نهادهای مردمی می‌داند (صفریان و امام جمعه‌زاده، ۱۳۹۶).

حکمرانی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور و رابطه میان شهروندان و حکومت‌کنندگان اطلاق می‌شود. حکمرانی اشاره به پاسخگو بودن هم در حوزه سیاست‌گذاری و هم اجرا دارد. حکمرانی خوب در سال‌های پیش از جنگ جهانی دوم کمتر استفاده می‌شد اما در طول دهه ۱۹۸۰ با مفهومی جدید ظهور کرده است که به چیزی فراتر از حکومت (دولت) اشاره استفاده دارد. این اصطلاح در فرهنگی آکسفورد مترادف با واژه دولت شده است. اما در طول دهه ۱۹۸۰ اندیشمندان سیاسی این اصطلاح را برای متمایز کردن آن از دولت به کار گرفتند. در واقع حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را دربرمی‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است هر سه آن‌ها برای توسعه انسانی پایدار ضروری

هستند. دولت محیط سیاسی و حقوقی بارور به وجود می‌آورد، بخش خصوصی اشتغال و درآمد را پدید می‌آورد و جامعه مدنی تعامل سیاسی و اجتماعی گروه‌های فعال برای مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را تسهیل می‌کند. حکمرانی خوب نه تنها روایتی نو از مفاهیمی چون دموکراسی، حقوق بشر، پاسخگویی، مشارکت و حاکمیت قانون است، در عین حال چارچوبی به دست می‌دهد که همه این اهداف و ارزش‌ها در یک‌جا جمع شوند و اهداف توسعه انسانی اعم از توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی با محوریت مردم، دنبال شود، حکمرانی خوب روایتگر توسعه انسان‌محور است. اولین مرجع معتبری که در این زمینه مباحثی را مطرح نموده، بانک جهانی است که در گزارشی در سال ۱۹۸۹ آن را به عنوان نظام عمومی کار آمد، نظام قضایی قابل اعتماد و نظام اداری پاسخ‌گو و خدمات عمومی تعریف نموده است (کنث، ۱۹۹۲، ۳۹۲).

شاخص‌های حکمرانی جهانی حکمرانی خوب رویکردی جدید به مفهوم اداره‌ی کشورها است. این رویکرد با هدف دستیابی به توسعه‌ی پایدار در گفتمان مدرن مطرح شده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه، رشد و توسعه‌ی افراد تأکید می‌شود. نقطه کانون این گفتمان بر استفاده‌ی بهینه از تمامی ظرفیت‌ها در مدیریت منابع اجتماعی/سیاسی متمرکز شده است و از مهم‌ترین دال‌های آن تغییر تفکر، نسبت به حضور زنان در

۵-۳. الگوی حکمرانی خوب، بانک جهانی و

توسعه

حکمرانی خوب در آغاز هزاره جدید برای پاسخ‌دادن به نیازهای جدید جهانی پایه عرصه گذاشته است، نیازهایی که ناشی از عواملی مانند رشدیافتگی جوامع، توسعه نیروی انسانی، توسعه سیاسی جوامع و بویژه رشد مردم‌سالاری و نقش جدید دولت و روابط جدید دولت-ملت است.

از نظر نگارندگان، اساساً فرآیند توسعه نیاز مبرمی به استفاده حداکثری از تمام ظرفیت‌ها دارد. در این میان نیز ظرفیت‌ها و ابزارهای اقتصادی نیز مهم‌ترین عامل در فرآیند توسعه محسوب می‌شوند. به هر میزان که وسعت فعالیت‌های اقتصادی گسترش یابد به همان میزان، فضا برای سوءاستفاده ایجاد می‌شود. در نتیجه، برنامه‌های توسعه‌ای دولت‌ها چنانچه از ابزارهای مناسب جهت جلوگیری از فساد بهره‌مند نباشد، عملاً حجم بالایی از مبادلات مالی دولت‌ها درگیر فساد خواهد شد.

در سالیان اخیر، حکمرانی تبدیل به موضوعی داغ در مدیریت بخش دولتی و عمومی شده است و این مسئله به‌واسطه نقش مهمی است که حکمرانی در تعیین سلامت اجتماع ایفا می‌کند. اصطلاح حکمرانی خوب بطور گسترده‌ای در ادبیات توسعه رواج پیدا کرده و حکمرانی بد به عنوان یکی از علل اساسی ناکامی جوامع امروزی در دستیابی به توسعه معرفی شده است.

برخی معتقدند الگوی حکمرانی خوب، تلاشی از سوی بانک مرکزی با هدف سوق کشورها به

صحنه‌ی اجتماعی محسوب می‌شود (اسپوزیتو، ۱۳۹۰، ۳۲۷).

حکمرانی دارای سه بعد اقتصادی، سیاسی و اداری است. بعد اقتصادی شامل فرایندهایی است که فعالیت‌های یک کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد و با اقتصاد کشورهای دیگر در ارتباط است. بعد سیاسی آن اشاره به فرایندهای تصمیم‌گیری برای تنظیم سیاست‌هاست. جنبه اداری آن هم به سیستم اجرای خط‌مشی‌ها دلالت دارد (قلی‌پور مقدم و همکاران، ۱۳۹۵، ۲۴). حکمرانی خوب تضمین‌کننده کمینه نشدن فساد، احترام به نظر اقلیت‌ها و اقشار آسیب‌پذیر در تصمیم‌گیری‌هاست. بانک جهانی حکمرانی را روشی می‌داند که قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای توسعه یک کشور اعمال شده است.

تعاریف چند دهه اخیر از حکمرانی خوب عناصر مدیریتی را دربرمی‌گیرد. از نظر جانسون و مینز، حکمرانی خوب با این ویژگی‌ها تعریف می‌شود: حکومت قانون، مدیریت کارآمد جامعه در زمینه‌های گوناگون، پاسخگویی و روشن بودن رفتارها و تصمیمات حکومتی نظارت‌های نهادمند، عدالت گستری، گسترش امنیت گستری، توزیع عادلانه و منطقی کالاهای خدمات و ارزش‌های بنیادی، مشارکت سیاسی و مدنی گروه‌ها و نهادهای اجتماعی و کاهش چشمگیر فساد و تبعیض در زمینه‌های گوناگون (جانسون، ۲۰۰۰).

۱۳۹۰). به طور کلی می‌توان گفت حکمرانی خوب تمرین مدیریت (سیاسی، اقتصادی، اجرایی و...) منابع یک کشور برای رسیدن به اهداف تعیین شده است. این تمرین دربرگیرنده راهکارها و نهادهایی است که افراد و گروه‌های اجتماعی از طریق آن‌ها توانایی پیگیری علایق و حقوق قانونی خود را با توجه به محدودیت‌ها داشته باشند (کافمن و همکاران، ۲۰۰۳).

علیرغم آنکه برخی متون حکمرانی خوب را به معنی دولت خوب نیز بکار می‌برند، ولی باید دانست که این دو مفهوم مترادف یکدیگر نیستند، زیرا همه نهادهای جامعه در قوه مجریه خلاصه نمی‌شوند و سایر نهادها نیز در روند اداره یک کشور به اندازه خود سهمیم هستند. اما در میان بسیاری از اندیشمندان این اتفاق نظر وجود دارد که وجود دولت خوب، شرط الزم برای حکمرانی خوب است. در عین حال علاوه بر ساختار حکومت، مردم و نهادهای اجتماعی نیز اضلاع دیگر حکمرانی خوب را شکل می‌دهند. در عین حال می‌توان گفت مفهوم حکمرانی به خاطر عدم اعتماد به دولت شکل گرفته است زیرا مدیریت دولتی که در گذشته به عنوان یک ابزار قوی برای حل مشکلات اجتماعی فرض می‌شد، با بحران هویت مواجه شده است.

با توجه به مفاهیم و مباحث و ادبیات طرح شده پیرامون حکمرانی خوب می‌توان آن را معطوف به یافتن الگو و ترکیب جدیدی از همکاری سه بخش: دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی دانست. در این الگو نهادهای مدنی به عنوان مدافع حقوق

ساختاری دنیای سرمایه‌داری بالاخص در کشورهای جهان سوم بوده است. یکی از راهکارهای ارائه شده برای برطرف کردن این خلأ قدرت در کشورهای جهان سوم، تلاش برای کارآمدسازی نهاد دولت در این کشورها بود. آدریان لفت ویچ، یکی از دلایل اشاعه سریع این ایده در سطح مباحث مرتبط با توسعه را فروپاشی نظام کمونیستی می‌داند؛ به این معنا که با فروپاشی نظام کمونیستی، غرب بدون هیچ واژه‌ای از اینکه کشورهای جهان سوم به جبهه کمونیسم بپیوندند، اقدام به اعمال یک‌سری از سیاست‌های تجویزی در کشورهای یادشده کرد که ملزم کردن حکومت‌های کشورهای جهان سوم به دموکراتیک کردن سازوکار حاکمیتی‌شان، یکی از این سیاست‌ها بود (لفت ویچ، ۱۳۸۴، ۳۶۹). از همین زمان بود که حاکمیت در بستر نقشی که می‌تواند در راستای ایجاد توسعه ایفا کند، بازتعریف شد. بانک جهانی در گزارشی با عنوان «حاکمیت و توسعه» که در سال ۱۹۹۲ منتشر کرد، حکمرانی خوب را مترادف با مدیریت عاقلانه جریان توسعه، به کار برده است (بانک جهانی، ۱۹۹۲، ۱).

ذکر این نکته برای درک حکمرانی خوب هم حائز اهمیت است که این مفهوم برگرفته از نظریه نهادگرایی است و محصول مشارکت سه نهاد دولت، بخش خصوصی و جامعه مدنی می‌باشد. بانک جهانی حکمرانی خوب را براساس شش شاخص حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی، ثبات سیاسی، کارایی دولت، کیفیت قوانین و مقررات، حاکمیت قانون و کنترل فساد تعریف می‌کند (سامتی و همکاران،

۴-۵. شش شاخص الگوی حکمرانی خوب

شاخص‌های کنونی مورد قبول پژوهشگران در بررسی الگوی حکمرانی خوب، شش شاخصی است که از سوی بانک مرکزی ارائه می‌شود. همان‌گونه که پیش‌تر گفته شد بانک مرکزی تلاش زیادی برای توجه کشورها به این شاخص انجام داده است. بانک جهانی، حکمرانی خوب را براساس شش شاخص تعریف نموده و بر پایه آن‌ها وضعیت حکمرانی را در دوره ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۲ هر دو سال یکبار و از سال ۲۰۰۲ به بعد به صورت سالانه در کشورهای مختلف مورد ارزیابی قرار داده است.

در بحث حکمرانی خوب براساس سندی که در سال ۲۰۰۶ بانک جهانی توسط کافمن، کری و ماسترازی انتشار داده، حکمرانی خوب شش شاخص دارد و شاخص‌ها نسبت به قبل تغییری نکرده و همان‌هایی است که در گزارش‌ها و اسناد قبلی نیز مطرح بوده است. هرچند با اهمیت یافتن رعایت اصول حکمرانی خوب در روند توسعه پایدار کشورها، ایده‌های مختلفی برای کمی‌سازی مفاهیم ارائه شده در حکمرانی خوب مطرح شد و نهادها و سازمان‌های گوناگون مؤلفه‌های متفاوتی را برای سنجش وضعیت و کیفیت حکمرانی معرفی نمودند. هرچند این شاخص‌ها (به‌مانند تمامی شاخص‌های ترکیبی جهانی) دارای کاستی‌هایی بوده و علاوه بر نقدهای روش‌شناختی معطوف به شمول، نقدهایی نیز به اهداف سیاسی توسعه‌دهندگان آن‌ها وارد است، لیکن بررسی این شاخص‌ها و توجه به وضعیت ایران از خلال آن‌ها می‌تواند گامی در راستای شناخت وضع موجود

شهروندی در تقویت مشارکت مردمی به منظور تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌های عمومی، مطرح‌اند؛ بخش خصوصی به عنوان عامل تولید در تقویت سرمایه‌گذاری در رشد تولید ناخالص ملی به منظور افزایش درآمد سرانه و پویای اقتصاد و بازار و ایجاد رفاه نسبی دیده می‌شود؛ و سرانجام نقش دولت به عنوان تسهیل‌کننده فعالیت‌های عمومی در فراهم‌سازی محیطی برای توسعه پایدار به منظور ثبات و توسعه عدالت اجتماعی در جامعه ارزیابی می‌گردد (یوان دی پی، ۱۹۹۷).

از نظر نگارندگان، مبانی الگوی حکمرانی مطلوب به همان مبانی مشترک تئوری «حاکمیت به مثابه‌ی مسئولیت» بازمی‌گردد. در این چهارچوب، حاکمیت ملی دولت‌ها نه صرفاً یک اقتدار عالیه، بلکه، مسئولیت دولت در برابر شهروندان می‌باشد. از سوی دیگر، الگوی حکمرانی مطلوب ارتباط بسیار نزدیکی با تئوری «حاکمیت قانون» و عناصر مهم آن از جمله شفافیت، دسترسی به عدالت، جزمیت حقوقی، قابل پیش‌بینی بودن نظام حقوقی-قضایی و... دارد. تمام این موارد به عنوان متغیرهای اصلی مبارزه با فساد محسوب می‌شوند. فضای اقتصاد و سرمایه نیز اصلی‌ترین موضع برای ایجاد فساد محسوب می‌شود؛ به همین دلیل است که سازمان‌های اقتصادی بین‌المللی از جمله گروه بانک جهانی تمرکز ویژه‌ای بر الگوی حکمرانی مطلوب و تئوری‌های مرتبط با آن دارند.

در متون مختلف، هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ نام، متفاوت ذکر شده است. ما در اینجا می‌کوشیم به حاصل نتیجه آن‌ها اشاره کنیم:

۵-۴-۱. پاسخ‌گویی و حق اظهارنظر

یکی از مهم‌ترین شاخص‌ها به آزادی بیان و مشارکت سیاسی برمی‌گردد. مقصود از این شاخص میزان مشارکتی است که شهروندان می‌توانند در انتخاب دولت و نظام سیاسی داشته باشند. این شاخص بیانگر میزان آزادی بیان، آزادی احزاب و تشکل‌ها و اجتماعات، و آزادی رسانه‌های جمعی است. هر چه مردم در یک جامعه نقش بیشتری در تعیین زمامداران و هیئت حاکمه داشته باشند، حضور و نقش احزاب و تشکل‌ها و انجمن‌ها و نظایر آن‌ها در جامعه بیشتر باشد، و رسانه‌های جمعی و افراد مختلف نتوانند آزادانه فعالیت و نظرات خود را بیان کنند، نشان‌دهنده وضعیت بهتری از حکمرانی خوب در شاخص پاسخگویی و حق اظهارنظر است (نادری، ۱۳۹۰، ۷۵).

۵-۴-۲. حاکمیت قانون

تعریف سازمان ملل از حاکمیت قانون به اصول حاکمیت اشاره دارد که در آن همه افراد و نهادهای خصوصی و دولتی در برابر قوانین پاسخگو هستند. قوانینی که به طور عمومی منتشر شده‌اند، به طور مساوی اجرا می‌شوند، به طور مستقل حکم می‌شوند و ضمناً سازگار با حقوق بشر بین‌المللی هستند. براساس تعریف بانک جهانی حاکمیت قانون به دنبال محدود کردن قدرت دولت و

باشد. از میان انواع شاخص‌های معرفی شده، شاخص‌های حکمرانی جهانی که توسط بانک جهانی معرفی و محاسبه می‌شود، از مقبولیت بیشتری برخوردار بوده و رواج بیشتری دارند. با این حال نهادهای بین‌المللی دیگری نیز به معرفی و محاسبه شاخص پرداخته‌اند (عرب یارمحمدی و اسماعیلی خوشمردان، ۱۳۹۹).

هم‌اکنون بانک جهانی نیز با ارزیابی شرایط زندگی در درون کشورها از جنبه کیفی به موضوع حکمرانی خوب می‌نگرد، در گزارشی که از بانک جهانی درباره وضعیت حکمرانی کشورها در فاصله سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۶ به دست آمده است، شش شاخص مورد ارزیابی قرار گرفته که عبارتند از: «حق اظهارنظر و پاسخگویی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد.» از نظر بانک جهانی حکمرانی بد با عناوین شخصی نمودن قدرت، فقدان حقوق بشر، فساد نهادینه شده، دولت‌های غیرپاسخگو و غیرمنتخب مترادف است و طبیعتاً حکمرانی خوب برعکس موارد ذکر شده خواهد بود. برنامه توسعه سازمان ملل متحد، حکمرانی خوب را این‌گونه تعریف نموده است: «حکمرانی خوب کوششی است در جهت حاکمیت قانون، شفافیت، مسئولیت‌پذیری، مشارکت، برابری، کارایی، اثربخشی، پاسخگویی و دیدگاه استراتژیک در اعمال اقتدار سیاسی، اقتصادی و اداری» (دباغ و نفری، ۱۳۸۸، ۳-۵). برای آنکه مفهوم و ابعاد حکمرانی خوب بهتر روشن شود، مناسب است شاخص‌های آن را مرور کنیم. البته این شاخص‌ها

محافظت از حقوق شهروندان در مقابل سوءاستفاده با استفاده خودسرانه دولت از قدرتش است (طالبی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۴).

اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آن‌ها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود. در این شاخص به‌ویژه اجرای قراردادهای، احتمال وقوع جرم‌های خشونت‌آمیز و غیرخشونت‌آمیز، اثربخشی و قابلیت پیش‌بینی عملکرد محاکم قضایی، در یک جامعه مدنظر است (کافمن و همکاران، ۲۰۰۲، ۱۹).

حاکمیت قانون علاوه برآنکه از مؤلفه‌های حکمرانی خوب محسوب می‌شود، از اصول برجسته دموکراسی در یک کشور نیز محسوب می‌گردد. همچنین اهمیت قوانین یک کشور و به‌خصوص قانون اساسی یک کشور تا جایی است که ملاک سنجش کشورها از جهات مختلف، قوانین یک کشور است. قانون اساسی به عنوان آئینه تمام‌نمای رعایت برابری، عدالت حقوق‌بشری، احترام به ارزش‌های انسانی و نهایتاً تأمین آزادی‌ها و برابری شهروندان دارای اهمیت ویژه می‌باشد. از سوی دیگر حاکمیت قانون مفهومی نسبی است و هیچ کشوری نمی‌تواند مدعی اجرای کامل قانون باشد. اینکه تا چه میزان قوانین در یک جامعه واقعی‌اند و می‌توان به اجرای آن‌ها اطمینان داشت با این شاخص ارزیابی می‌شود.

۵-۴-۳. کیفیت قوانین و مقررات

این شاخص به طور ویژه بر تأثیر قوانین بر بازار و بر سیاست‌های ناسازگار با بازار دقت و تمرکز دارد.

سیاست‌هایی از قبیل کنترل قیمت‌ها، عدم نظارت کافی بر سیستم بانکی و همچنین، هزینه وضع قوانین برای محدودیت بیش‌ازاندازه بر تبادلات تجارت خارجی. کیفیت و کمیت قوانین و مقررات تا حدی در تولید و تکثیر فساد اداری مؤثر است (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۵۷).

کیفیت قوانین و مقررات بسترساز رشد اقتصادی خواهد بود زیرا کشوری دارای کیفیت قوانین و مقررات بالاتر است که متکی به روح علم‌محوری و منطبق بر واقعیات جهت رفع موانع در تمامی فعالیت‌های اقتصادی خواهد بود، عادلانه و فراگیر بودن قوانین نمایانگر کیفیت تنظیم‌کنندگی است که از اصول اساسی حکمرانی خوب محسوب می‌شود این شاخص با تنظیم عوامل اختلال را در بازار در ارتباط است، هرچه کیفیت قوانین و مقررات در یک کشور بالاتر باشد، آن کشور می‌تواند توسعه اقتصادی برتری داشته باشد (شاه‌آبادی و مهری‌تلیابی، ۱۳۹۵، ۱۲).

۵-۴-۴. کارایی اثربخشی دولتی

لازمه اثربخشی دولت، وجود دستگاه اداری کارآمد است. دستگاه اداری کارآمد باید از قدرت و مهارت لازم برای اداره امور کشور برخوردار باشد از بروز تغییرات چشمگیر در سیاست‌ها پیشگیری کند، از فشارهای سیاسی تأثیر نپذیرد و مکانیسم‌های شفاف برای جذب نیروهای جدید داشته باشد. برای داشتن دولت کارآمد، دولت باید نقش خود را با توانمندی‌هایش متناسب و هماهنگ کند.

تروریسم و عدم استفاده از خشونت علیه مخالفان سیاسی می‌پردازد.

۵-۴-۶. کنترل فساد

آنچه در این شاخص مدنظر قرار می‌گیرد این است که قدرت عمومی و دولتی تا چه حد مورد سوءاستفاده قرار گرفته است و در این شاخص، هم فسادهای جزئی و کوچک و هم فسادهای بزرگ و کلان را شامل می‌شود. براساس این شاخص هرچه نظام سیاسی و دولت در تسخیر نخبگان و در خدمت منافع خصوصی باشد، نشان حکمرانی ضعیف و عکس آن بیانگر حکمرانی قوی را تشریح می‌کند.

کنترل فساد به مفهوم جلوگیری از استفاده از قدرت و امکانات عمومی در جهت منافع شخصی است. این شاخص مفهوم‌هایی مانند فساد در میان مقامات رسمی، اثربخشی تدبیرهای ضد فساد، تأثیر آن بر جذب سرمایه‌های خارجی، پرداخت اضافی یا رشوه برای گرفتن مجوزهای اقتصادی و مانند آن‌ها را اندازه‌گیری می‌کند (مرادی و همکاران، ۱۳۹۶، ۱۵۸).

۵-۵. «حکمرانی خوب» در دولت‌های آقایان

احمدی‌نژاد و روحانی

حکمرانی خوب چه در دولت نهم و دهم و چه در دولت یازدهم و دوازدهم، همواره نمراتی زیر خط صفر را تجربه کرده است. نمرات شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب از سوی بانک جهانی میان دو طیف مثبت ۲,۵ و منفی ۲,۵ از عالی به

آنچه را که دولت انجام می‌دهد باید نشان‌دهنده توانایی‌های بخش دولتی و خصوصی باشد. دولت‌ها با تزریق خون جدید در نهادهایشان، توانمندی‌های خود را بهبود می‌بخشند. این امر نه تنها نیازمند ایجاد ظرفیت اجرایی یافتن است، بلکه مستلزم نهادینه ساختن قوانین و هنجارهایی است که به مقامات دولتی انگیزه می‌دهد تا طبق منافع جمعی عمل کند و در عین حال فساد و فعالیت خودسرانه را محدود می‌سازد.

این شاخص سیاست‌گذاری به نفع کسب و کار، کارایی نهادهای دولتی، کیفیت کارکنان دولت، استقلال استخدام و خدمات کشوری از فشارهای سیاسی و غیره را دربرمی‌گیرد (بانک جهانی، ۲۰۱۲).

۵-۴-۵. ثبات سیاسی

ثبات سیاسی و فقدان خشونت بیانگر احتمال سرنگونی یک حکومت و نظام سیاسی از طرق غیرقانونی یا ابزارهای خشونت‌آمیز است. عمده بحث این شاخص مربوط به تروریسم و خشونت است. براساس این شاخص، هرچه احتمال نبودن ثبات سیاسی در یک کشور بیشتر باشد نشان‌دهنده حکمرانی ضعیف است و هرچه کشوری از ثبات سیاسی بیشتری برخوردار باشد، در زمینه حکمرانی خوب امتیاز بالاتری را کسب می‌کند (دیتتر و هارت، ۲۰۰۷). این شاخص به بررسی مؤلفه‌هایی از جمله ثبات سیاسی به چگونگی گردش قدرت در کشور، کنترل امنیت، مبارزه با

ضعیف مشخص شده است. جالب است که سال‌های پژوهش قرار گرفته در این مقاله (۱۳۸۵-۱۳۸۸ و ۱۳۹۳-۱۳۹۶) در هیچ شاخصی از شش شاخص سنجش حکمرانی خوب (حق اظهارنظر و پاسخگویی، کیفیت مقررات، اثربخشی دولتی، ثبات سیاسی، حاکمیت قانون و کنترل فساد)، در حیطه مثبت و بالای صفر را کسب نکرده‌اند. مسئله‌ای که وضعیت حکمرانی در ایران را اسفناک و نگران‌کننده نشان می‌دهد.

در ادامه به بررسی دو مؤلفه کارایی اثربخشی دولتی و کیفیت قوانین و مقررات در دوران دولت‌های آقای احمدی‌نژاد (۱۳۸۵-۱۳۹۲) و آقای روحانی (۱۳۹۳-۱۳۹۸) (آمار در دسترس بانک جهانی) پرداخته‌ایم:

۵-۵-۱. کارایی اثربخشی دولتی

نخست به شاخص کارایی اثربخشی دولتی می‌پردازیم. در این شاخص، کیفیت خدمات عمومی، خدمات شهروندی و میزان استقلال آنها از فشارهای سیاسی مدنظر است. همچنین کیفیت تدوین و اجرای خط‌مشی‌های عمومی و دولتی و میزان تعهدی که دولت در برابر این سیاست‌ها دارد، در این شاخص در کانون ارزیابی قرار می‌گیرد. در نتیجه هرچه کیفیت خدمات عمومی و شهروندی بهتر باشد و خط‌مشی‌های عمومی به دور از جنجال‌ها و خط‌وربط‌های سیاسی وضع و اجرا شوند و تعهد نظام سیاسی در قبال آنها بیشتر باشد، وضعیت حکمرانی بهتر است.

بررسی مؤلفه و شاخص‌های بانک جهانی برای کارایی دولت نشان می‌دهد دولت آقای روحانی نمره بهتری نسبت به دولت آقای احمدی‌نژاد کسب کرده است. همچنین دولت یازدهم توانسته در سال‌های ابتدایی خود نمره منفی این شاخص را تا حد زیادی بهبود ببخشد. به‌گونه‌ای که از منفی چهاردهم تا رنج منفی یک‌دهم افزایش و بهبود یافته است. هرچند سال‌های پایانی (۱۳۹۸) باز با افول شاخص همراه شده است. اما در دوران آقای احمدی‌نژاد بدون تغییر محسوسی با کمی نزول و کاهش کارایی اثربخشی دولتی در رنج منفی پنج‌دهم و منفی شش‌دهم ثابت نگه داشته است. نمرات نشان می‌دهد در سال ابتدایی دولت احمدی‌نژاد نمره شاخص کارایی دولتی در محدوده منفی پنج‌دهم قرار داشته اما در سال‌های ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ با افول به محدوده منفی شش‌دهم رسیده است. اما در سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ شاخص کمی بهبود یافته اما این پیشرفت حفظ نشده و در پایان تحویل دولت به عدد بی‌سابقه محدوده منفی هفت‌دهم نزدیک شده است.

آمار نشان می‌دهد در دوره‌ی احمدی‌نژاد در این بخش اقداماتی انجام شده که نظام اداری از مسیر اصلی خود منحرف کرده است. هرچند ناکارآمدی نظام اداری ایران ریشه تاریخی دارد؛ اما از اولین اقدامات دولت احمدی‌نژاد انحلال سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور که از ساختار این سازمان دو معاونت هماهنگی و نظارت راهبردی و معاونت توسعه‌ی مدیریت و سرمایه‌ی انسانی رئیس‌جمهور تشکیل و تمام امور اداری و مالی در این دو معاونت

کیفیت قوانین و مقررات مواردی چون نکات زیر را در برمی‌گیرد: تنظیم قوانین اختلال‌زا در بازار مانند کنترل قیمت‌ها، ایجاد موانع غیراصولی و دست‌وپاگیر در صادرات و واردات، محدودیت‌های زاید در بازار سهام، محدودیت‌های تأسیس یک بنگاه اقتصادی جدید، مقررات دست و پاگیر برای تبدیل ارز و موارد مشابه (سامتی و همکاران، ۱۳۹۰، ۱۹۵) مواردی که در سیاست‌های قانون‌گذاری ایران بسیار دیده می‌شود و بخشی از آن هم متأثر از نهادها و سازمان‌های غیردولتی است.

شاخص کیفیت قوانین و مقررات هم مانند دیگر شاخص‌های حکمرانی خوب، وضعیت چندان مساعدی در دولت‌های نخست آقایان احمدی‌نژاد و روحانی تجربه نکرده است. براساس آمار ارائه شده این شاخص در دوران دولت نهم هر سال بدتر شده، اما در دولت یازدهم کمی بهبود یافته، هرچند فاصله زیادی تا نمره قابل قبولی دارد.

در این شاخص دولت‌های آقایان روحانی و احمدی‌نژاد نمرات بسیار پایینی کسب کرده‌اند. دولت آقای احمدی‌نژاد در محدوده منفی ۱،۴ شروع و در سال ۸۸ و پایان دور اول به محدوده ۱،۷ رساند. هرچند در دور دوم کمی شاخص کیفیت قوانین و مقررات بهبود یافت اما به نزدیکی محدوده منفی ۱،۵ بیشتر ارتقا نیافت. آمار بانک جهانی نشان می‌دهد در دوران ۸ ساله آقای احمدی‌نژاد شاخص کیفیت قوانین وضعیت چندان خوبی نداشته است.

گنجانده شد. از اقدامات دیگر که از منظر رئیس‌جمهور وقت با هدف تسریع امور انجام شد، حذف بسیاری از شوراها است (شورجی، ۱۳۹۵، ۱۷۰).

اما از سوی دیگری دولت آقای روحانی در سال‌های ابتدای روند بهبود شاخص کارایی اثربخشی دولتی را با سرعتی خوب پیش برده است. به گونه‌ای که در سال ۹۳ در محدوده منفی چهاردهم، در سال ۹۴ در محدوده منفی دودهم و در سال‌های ۹۵ و ۹۶ به محدوده منفی یک‌دهم رسیده است.

اما این دولت هم مانند دولت پیشین نتوانسته در سال‌های پایانی روند خود را حفظ کند و شاهد سقوط شاخص به محدوده منفی پنجم‌دهم هستیم (جدول ۱).

۵-۲. کیفیت قوانین و مقررات

دومین شاخص که مورد بررسی قرار می‌دهیم کیفیت قوانین و مقررات است که بسترساز رشد اقتصادی خواهد بود. زیرا کشوری دارای کیفیت قوانین و مقررات بالاتر است که متکی به روح علم محوری و منطبق بر واقعیات جهت رفع موانع در تمامی فعالیت‌های اقتصادی خواهد بود، عادلانه و فراگیر بودن قوانین نمایانگر کیفیت تنظیم‌کنندگی است که از اصول اساسی حکمرانی خوب محسوب می‌شود این شاخص با تنظیم عوامل اختلال را در بازار در ارتباط است، هرچه کیفیت قوانین و مقررات در یک کشور بالاتر باشد، آن کشور می‌تواند توسعه اقتصادی برتری داشته باشد (شاه‌آبادی و مهری‌تلیابی، ۱۳۹۵، ۱۲).

مواجه شوند، از سرمایه‌گذاری بلندمدت در کارخانه و تجهیزات اجتناب خواهند کرد و نامح نقل است که به سرمایه‌گذاری‌های تکمیلی بخش عمومی بپردازند. به همین سیاق به نظر می‌رسد که آگاهی مشترک از بوروکراسی دولتی به منزله جزئی قابل پیش‌بینی، کوچک شده و متعهد به رشد بلندمدت سرمایه‌گذاری را کم‌مخاطره‌تر سازد.

بوروکراسی‌های شایسته می‌توانند به کارآفرینان منفرد کمک کنند تا از پس مشکلات هماهنگی که ممکن است به‌ویژه در برانگیختن فعالیت‌های جدید حیاتی باشد برآیند. این بوروکراسی‌ها همچنین می‌توانند منابع اطلاعاتی را درون کالاهای عمومی به طریقی بگردانند که احتمال مؤثر بودن سرمایه‌گذاری را افزایش دهند (برادران شرکا و ملک‌الساداتی، ۱۳۸۶، ۶۰).

تأثیر دو شاخص کارایی اثربخشی دولتی و کیفیت قوانین و مقررات بر روند رشد شاخص اقتصادی ایران براساس گزارش بانک جهانی قابل تحقیق است. دو نمودار زیر روند رشد اقتصادی ایران در دولت‌های آقایان احمدی‌نژاد و روحانی را مشاهده می‌کنید (نمودار ۱).

۶. نتیجه

همان‌گونه که پیش‌تر بررسی شد، سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ (۲۰۰۹ و ۲۰۱۰) بدترین سال‌های در شاخص کیفیت قوانین و مقررات در دولت آقای احمدی‌نژاد بوده است. در نمودار بالا افت رشد اقتصادی در این سال‌ها کاملاً مشخص است. اما با رسیدن شاخص کارایی اثربخشی دولتی به

اما با شروع دولت آقای روحانی این شاخص بالاخص در چهارسال نخست مانند شاخص کارایی اثربخشی دولت بهبود قابل توجهی داشته است به گونه‌ای که در سال ۱۳۹۶ به محدوده منفی ۱,۹ بهبود یافته است. هرچند همین هم در سال‌های ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ دوباره روند نزولی گرفته است (جدول ۲).

۵-۶. تأثیر دو شاخصه کارایی اثربخشی دولتی و کیفیت قوانین و مقررات بر رشد اقتصادی

تئوری استاندارد نئوکلاسیک، تصمیم‌گیری کارآفرینان و مدیران بخش خصوصی در مورد آغاز یک کسب و کار جدید را به معیار ارزش فعلی احاله می‌دهند. حال آنکه برخلاف این دیدمان، دنیای واقع دنیای بدون اصطکاک نیست و کیفیت نهادهای حاکم بر جامعه تأثیر به‌سزائی بر منافع و هزینه‌های یک فعالیت اقتصادی دارد. قوانین و مقررات اختلال را در مسیر راه‌اندازی یک کسب و کار به اشکالی چون مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی دست‌وپاگیر، قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه‌های خصوصی چون قانون کار، محدودیت‌های تجاری، بار مالیاتی بالا و... هزینه اولیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بزرگ باشد، کارآفرینان عقلانی ممکن است از سرمایه‌گذاری دست بکشند (بارو، ۱۹۹۶، ۱۲).

هم‌چنین درخصوص تأثیر کیفیت قوانین در ایران واضح است که کارآفرینان عقلانی و ریسک‌گریز، چنانچه با بوروکراسی غیرقابل‌پیش‌بینی و فاسدی

پایین‌ترین حد خود در سال ۱۳۹۲ (۲۰۱۳) و هم‌زمانی آن با افت دوباره شاخص کیفیت قوانین و مقررات به دامنه منفی ۱,۵، شاهد سقوط آزاد رشد اقتصادی در ایران و رسیدن به حدود منفی ده درصد هستیم.

اما از سوی دیگر سال ۲۰۱۷ (۹۶) شاهد قله نمودار رشد اقتصادی ایران طی دولت‌های احمدی‌نژاد و روحانی هستیم. با نگاهی به نمرات شاخص‌های کیفیت قوانین و مقررات و کارایی اثربخشی دولتی درمی‌یابیم که در این سال‌ها هر دو شاخص در بهترین وضعیت خود طی این سال‌ها قرار دارند. شاخص کیفیت قوانین و مقررات به منفی ۱,۱ (کمترین مقدار طی سال‌های ۸۵ تا ۹۸) و شاخص کارایی اثربخشی دولتی به نمره منفی نوزده صدم رسیده که در کنار سال ۸۵ بهترین عملکرد را داشته‌اند. اما هر دو شاخص با افول در سال‌های پایانی دولت آقای روحانی (۹۷ و ۹۸)، نمودار رشد اقتصادی هم مسیر افول را آغاز می‌کند.

۷. سهم نویسندگان

کلیه نویسندگان به صورت برابر در تهیه و تدوین پژوهش حاضر مشارکت داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

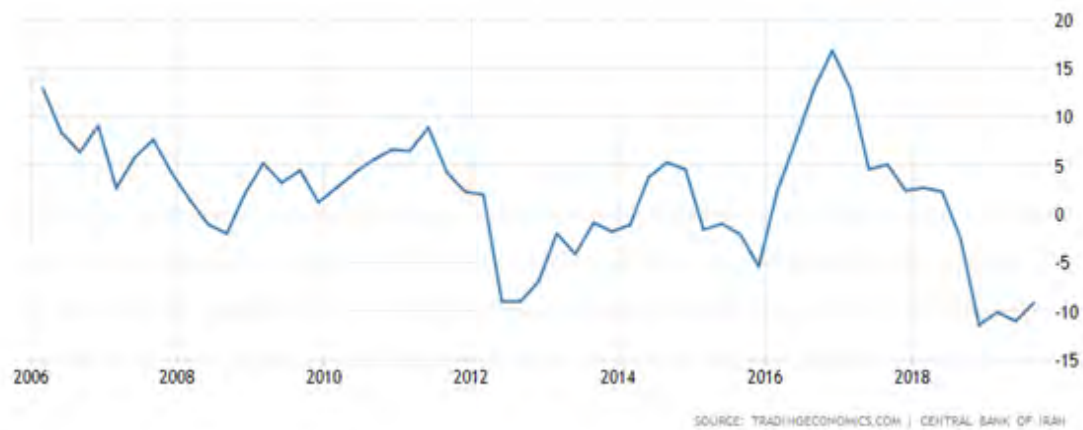
در این پژوهش هیچگونه تضاد منافی وجود ندارد.

جدول شماره ۱

سال	کارایی اثربخشی دولتی	سال	کارایی اثربخشی دولتی
1385	-0.52675	1393	-0.42692
1386	-0.60803	1394	-0.20892
1387	-0.63644	1395	-0.19141
1388	-0.55484	1396	-0.19744
1389	-0.47880	1397	-0.43022
1390	-0.43299	1398	-0.55350
1391	-0.52584		
1392	-0.67685		

جدول شماره ۲

سال	کیفیت قوانین و مقررات	سال	کیفیت قوانین و مقررات
1385	-1.46334	1393	-1.45799
1386	-1.61698	1394	-1.31157
1387	-1.63188	1395	-1.22937
1388	-1.72011	1396	-1.19872
1389	-1.70872	1397	-1.37615
1390	-1.52060	1398	-1.42314
1391	-1.42513		
1392	-1.49341		



نمودار شماره ۱: (رشد اقتصادی GDP) (trading economics)



منابع

- شاه‌آبادی، ابوالفضل، مهری تلیابی، فریبا، «تأثیر نهاد حکمرانی کشور میزبان بر درآمد گردشگری کشورهای در حال توسعه منتخب»، مجله برنامه-ریزی و توسعه گردشگری، دوره پنجم، شماره شانزدهم، ۱۳۹۵.
- شورجی، حافظ، رویکرد توسعه‌ای دولت‌ها در جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۲-۱۳۷۶)، پایان‌نامه دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی، ۱۳۹۵.
- صحرایی، علیرضا، محمدی، امین، «الگوی حکمرانی خوب: چارچوبی برای تحلیل اقتصاد سیاسی دولت هاشمی رفسنجانی (۱۳۶۸-۱۳۷۶)»، فصلنامه مطالعات راهبردی سیاست-گذار عمومی، دوره هشت، شماره بیست و هشتم، ۱۳۹۷.
- صفریان، روح‌الله، امام جمعه‌زاده، سیدجواد، «الگوی حکمرانی خوب، سرمایه اجتماعی و توسعه همه‌جانبه»، فصلنامه دولت پژوهی، دوره سه، شماره دوازدهم، ۱۳۹۶.
- طالبی، محمدعلی، حشمت‌زاده، محمدباقر، حاجی یوسفی، امیرمحمد، «بررسی موانع تحقق حکمرانی خوب در فرهنگ سیاسی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، دوره هشت، شماره اول، ۱۳۹۶.
- عرب یارمحمدی، جواد، اسماعیلی خوشمردان، علی، «شاخص‌های حکمرانی خوب و ارزیابی
- اسپوزیتو، جان، جامعه مدنی و دموکراسی در خاورمیانه، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، جاوید، ۱۳۹۰.
- برادران شرکا، حمیدرضا، ملک‌الساداتی، سید سعید، «تأثیر حکمرانی خوب بر اساس شاخص‌های بانک جهانی بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب»، راهبرد، شماره چهل و نهم، ۱۳۸۶.
- حاجی یوسفی، امیرمحمد، آزموده، فهیمه، خراسانی، رضا، «تأملی نظری پیرامون خوانش گرایش فمینیستی از حکمرانی خوب در کشورهای اسلامی»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، دوره ده، شماره چهارم، ۱۳۹۸.
- دباغ، سروش، نفری، ندا، «تبیین مفهوم خوبی در حکمرانی خوب»، نشریه مدیریت دولتی، شماره سوم، ۱۳۸۸.
- دوله، فاطمه، سیف‌اللهی، سیف‌الله، زنجانی، حبیب‌الله، «مطالعه زمینه‌ها و موانع شکل‌گیری حکمرانی خوب در ایران معاصر»، فصلنامه علمی پژوهشی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد شوشتر، دوره سیزده، شماره چهل و پنجم، ۱۳۹۸.
- سامتی، مرتضی، رنجبر، همایون، محسنی، فضیلت، «تحلیل تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر شاخص توسعه انسانی مطالعه موردی: کشورهای جنوب شرقی آسیا»، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره چهارم، ۱۳۹۰.

منابع لاتین

- Barro, Robert. "Democracy and growth" Journal of Economic growth, Vol. 1, No. 1, 1996.
- Ernst, Dieter, Hart, David, Governing the Global Knowledge Economy: Mind the Gap! Atlanta Conference on Science, Technology and Innovation Policy, Georgia Tech, 2007.
- Johnson, Ronald W, Minis, Henry, Approaches to Promoting Good Governance. Near East Bureau. Democratic Institution Support Project, 2000.
- Kaufman, Daniel, Kraay, Aart and Loaton, Pablo, Governance Matters, Washington, DC: The word Bank, 2003.
- Kaufmann, Daniel, Kraay, Aart, Lob, Pablo, Governance Matters II: Updated Indicators for 200-01. World Bank Policy Research Working Paper, 2002.
- Keneth, Stow, Good piano won't ll ay bad music administrative reform and good governance public admonition 70, 1992.
- UNDP, "Governance for Sustainable Human Development", 1997, at: www.undp-pogar.org/publications/gorernance/goodgov
- World Bank, Institute Governance data: Web-interactive inventory of datasets and empirical tools. Washington, DC. 2012.
- World Bank, Governance and development. Washington, D.C.: World Bank Publication, 1992.
- وضعیت ایران»، پژوهشکده امور اقتصادی وزارت امور اقتصادی و دارایی، ۱۳۹۹.
- قلی پور مقدم، فرید، فدایی، مهدی، غفاری، سعید، «بررسی تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب و اندازه دولت بر شاخص فساد در کشورهای گروه بریکس و ایران»، چشم‌انداز مدیریت دولتی، شماره سی و دوم، ۱۳۹۵.
- لفت ویچ، آدریان، سیاست و توسعه در جهان سوم، مترجم: علیرضا خسروی، و مهدی میرمحمدی، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۴.
- مرادی، ابراهیم، رهنما، علی، حیدریان، سمیرا، «تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر کنترل فساد (مطالعه موردی: کشورهای خاورمیانه و جنوب شرق آسیا)»، مجله علمی پژوهشی اقتصاد مقداری، دوره چهارده، شماره چهارم، ۱۳۹۶.
- نادری، محمد مهدی، «حکمرانی خوب، معرفی و نقد اجمالی»، اسلام و پژوهش‌های مدیریتی، شماره اول، ۱۳۹۰.
- نجفی، سید محمدباقر، «نقش حکمرانی خوب در تحقق اقتصاد دانش بنیان در ایران (در قالب مدل مارپیچ چهارگانه)»، پژوهش‌های رشد و توسعه پایدار، دوره نوزده، شماره اول، ۱۳۹۸.
- هداوند، مهدی، «حکمرانی خوب، توسعه و حقوق بشر»، نشریه حقوق اساسی، دوره سه، شماره چهارم، ۱۳۸۴.